

روز زن ، روز زندگی

روز جهانی ((زن)) را به تمام زنان جهان ، بخصوص زنان درد رسیده و دریند افغانستان مبارکباد میگوئیم . زن در بند کشیده شده افغان در بدترین و سخت ترین حالات و شرایط همیشه و همواره ، صبور و مقاوم در صحنه حضور داشته و حامی شوهران ، پدران ، برادران و فرزندان شان بوده اند . طی سی سال جنگ و خونریزی و تجاوز و آوارگی و دربدی، غربت و مهاجرت، فقر و ناداری، زنان با شهامت افغان همیشه در کنار برادران خویش قرار گرفته و همه وقت سنگ زیرین آسیاب بوده اند . اگر درجنگ آزادیبخش ملی یاری زنان با مردان وجود نمیداشت و مبارزین ملی حمایت زنان را با خود نمی داشتند، مقامت ما هرگز به پیروزی نمی رسید .

زن اصیل افغان تا آخرین نفس خود در کنار فرزندان و فامیل خود، چون کوه ثابت و استوار ایستاده بوده و زن است که سرنوشت یک جامعه و یک کشور را رقم میزند .

ظلم و ستم ایکه در سی سال گذشته از چپ و راست بر زن افغان روا داشته شده ، اگر بر سنگ میشد ، آب می گردید . زنان کشور ما هنوز هم مورد ظلم و شکنجه و بدرفتاری و تجاوز و توهین و تحقیر قرار دارند . مرجع بازخواستی وجود ندارد و یا هم اگر دارد ، قدرت اجرایی نداشته و کاری از ایشان ساخته نیست . وقتی که یک زن را شوهرش در یک گوشه کشور سنکسار میکند و دیگری گوش و بینی اش را می برد و نامرد دیگری زن خود را گلوله باران میکند ، حکومت مرکزی چهار روز بعد از حادثه باخیر میشود ، اما جناب رئیس جمهور می فرمایند که بیرق افغانستان در تمام نقاط کشور در اهتزاز است و آنرا علامت کنترول حکومت مرکزی در سرتاسر کشور میدانند . آنچه از ناروا که بر زن مظلوم واقع شده افغان روا داشته میشود و ظلم و ستم ایکه بر زن افغان میروود اگر شرح داده شود از هفت من کاغذ میگذرد که زره ای از خروار و اندکی از بسیار آنرا نویسنده توانا و مبارز افغان محترمه (ملال جان نظام) در نوشته های پر محتوای شان در نشرات چاپی و انترنتی و در تبصره ها و مصاحبه های تلویزیونی شان بار بار یاد آور گردیده اند ، ولی با تأسف فراوان که در داخل کشور گوش شنوا ای نیافته اند و مقامات مسؤول در داخل کشور از گوش ها گر و از چشم ها کور اند .

از شرح آن همه نا بسامانی ها و نامردی ها و نامردی ها که بگذریم و قبول کنیم که کشور برباد داده شده ما، یک کشور (نامرد سالار است) و نامردان روزگار بر سرنوشت مردم حاکم اند و نه تنها حقوق حقه زنان با شهامت افغان زمین را نامردانه و وحشیانه پامال میکنند، بلکه طبقه ذکور کشور هم چندان وضع بهتری از طبقه اناث کشور ندارند و کشور زخم خورده ما همچنان پامال هوس های شوم یک مشت از خدا بیخبر است ، به خواهران شجاع و مقاوم خویش در داخل کشور باید برادرانه عرض نمود که خود سوزی و خود کشی دواي درد نیست . خواهران هموطنم شما که نمونه کامل زن اصیل و مقاوم افغان هستید و مادران شما سرسختانه با ظلم ظالم و کجروی های زمانه و تمام نا شکیبایی های آن دست و پنجه نرم کرده اند و همیشه هم سنگ زیرین آسیاب بوده اند و شما ها را با خون دل به ثمر رسانیده اند ، روا نیست که در یکدم همه حاصل زندگی و درد و رنج او را به آتش بکشید . مقاومت کنید و با نامردان نا انسان به مبارزه بر خیزید . ملالی جویا ها ، ملالی میوند ها و ناهید ها و وجهیه ها و نازو انا ها را سر مشق خویش قرار دهید . خود سوزی و خود کشی هیچ دردی را دوا نمیکند . همه یکی شوید ، دست بدست همدیگر داده و مشتئ شوید بر فرق زورمندان و زورگویان . حق خود را مطالبه کنید ، حق گرفته میشود ، داده نمیشود . با خود سوزی و خودکشی هرگز حقوق حقه تانرا بدست نخواهید آورد . یکی دو روزی در سر خط اخبار قرار خواهید داشت و بعد به فراموشی سپرده میشوید و اگر چانس نیآوردید و زنده ماندید تا اخیر عمر در رنج و عذاب و درد و در انزوا خواهید بود و آنانیکه باعث خود سوزی و یا خودکشی شما گردیده اند ، همچنان به زندگی نگبت بارشان ادامه خواهند داد و هر آن نا روا ایکه بر شما ها روا داشته اند بر خواهران دیگر تان روا خواهند داشت و آب از آب تکان نخواهد خورد . بر خیزید و مبارزه کنید . زن ، زندگی میبخشد . اگر زن نباشد زندگی نیست . ناله های جانسوز تانرا که از گوشه به گوشه نمی رسد ، یکی کنید و به فریاد پر خروشی مبدل سازید که قصر نشینان را به لرزه درآورد . صرف در آنصورت است که میتوان امیدوار بود به خواسته های مشروع و بر حق تان جواب مثبت داده شود و به حقوق حقه تان احترام گردد . خواهران ! مطمئن باشید که نهالی را که امروز در آن سرزمین غرس میکنید، اگر امروز ثمر ندهد ، فردا به بار خواهد نشست و ثمر خواهد داد و ثمر آنرا دختران و فرزندان شما خواهند چید . سرمشقی باشید برای فرزندان تان . به پا خیزید و به راهپیمائی زنان افغان به مناسبت هشتم مارچ یعنی روز زن، روز زندگی و روز امید و روز همبستگی زنان افغان در سر تا سر کشور، بپیوندید و یک فریاد شوید و جهان را به لرزه درآوردید .

به امید رهایی زن افغان از چنگال تعصب و تحجر فکری و ظلم و ستم نامردان روزگار ، هر چند در این دور و زمانه مرد افغان هم چندان آزاد نیست . ختم

شعری از (مینا اسدی) به مناسبت هشتم مارچ

ای نیمه ی دگر
از جانیان حامی سرمایه و ستم
حکمی دگر رسید:
باید که نیمه ی دگر را
بیش از گذشته بست به زنجیر بردگی
-- سمعا و طاعتا
آماده و گوش به فرمان
گفتند و حد زدند ، به زندان و سنگسار
گفتند و طرح ذلت زن را
در بارگاه ظلم خلافت رقم زدند
این وارثان تخت ستم شاهی
کشتند تخم نفرت و از عشق دم زدند

ای نیمه دگر
بانوی سالهای سنگ و مس و آهن
تبعیدی سراچه و دیر و حرم
خاتون سالهای توطئه و تحقیر
بنگر چگونه زره های تنت آب میشود
در زیر بار بردگی خانه
بنگر چگونه قلب پریشانت
در خانه ای به وسعت تنهایی
در خانه ای به وسعت دلتنگی
می ایسند ز جوشش
وقتی که تو نشسته و در مانده ای
آیا چگونه معنی انسان
در دشت ذهن ساده ای کودک
تفهیم میشود
بنگر ، بنگر چگونه بی تو
طرح عظیم زندگی انسان
در گیر و دار حادثه و انقلاب
ترسیم میشود
ای خسته از شکنجه و تحقیر بندگی
چشمت به راه کیست ؟
سکوتت برای چیست ؟

تاریخ سالهای ستم برملا کنی
تا نقشه های بی خردان بی بها کنی
برخیز
برخیز تا هزار قیامت به پا کنی
وقتی که قلب های تپنده
با جرم عشق به انسان
بر دار مرگ و تباهی
مصلوب می شوند
وقتی که توده ها
با هر بهانه ای سر کوب می شوند
دیگر زمان بردگی خانه نیست
بر خیز
برخیز و دستهایت را
در عمق شب رها کن
امروز روز توست
خورشید را به نام صدا کن